عنوان:

نماز شب و شب زنده داری در سورۀ مزمل

|  |
| --- |
| شناسنامه مطلب |
| کد مطلب | t-324 |
| رده | تزکیه‌ای/تقوای عمومی/ورود به آستان بندگی/مستحبات/نماز |
| برچسب | نماز شب، شب زنده داری، سحرخیزی، آیت الله مظاهری |
| توضیحات |  |

**درس اخلاق** آیت الله مظاهری

شماره درس: 37 تاريخ درس: ۱۳۷۵/۱۲/۱

اعوذ باللّه‏ من الشيطان الرجيم بسم اللّه‏ الرحمن الرحيم رب اشرح‏لى صدرى و يسرلى امرى و احلل عقدة من لسانى يفقهوا قولى.

در اوّل سوره مزمّل دستورالعملى به پيغمبر اكرم(ص) داده شده است و در آنجا فرموده است كه اين دستورالعمل براى چيست. فرموده است كه بار سنگينى به دوش تو آمده است. و براى اينكه اين بار سنگين را به منزل برسانى به اين دستورالعمل عمل كن. معلوم مى‏شود كه هر كسى در زندگى اگر به اين دستورالعمل عمل كند موفّق مى‏شود. مخصوصا ما طلبه‏ها كه بار سنگينى به دوشمان آمده است اگر به اين دستورالعمل عمل كنيم موفق مى‏شويم. و اين دستورالعمل دستورالعمل خوبى است. انصافا يك نسخه ارزنده‏اى است و جزء جزء اين نسخه در قرآنشريف و در روايات اهل‏بيت(ع) ديده مى‏شود و نتايج آن هم در قرآن شريف و در روايات اهل‏بيت(ع) ديده مى‏شود. جزء جزء اين نسخه. و اينجا كلّ آن جزء جزء است و به تجربه اثبات شده است كه خيلى كمك مى‏كند. بزرگان هم فرموده‏اند كه جزء جزء اين دستورالعمل خيلى كار مى‏كند. چه رسد به همه اين نسخه و همه اين دستورالعمل. و من از همه شما تقاضا دارم براى اينكه ما بتوانيم اين بار سنگين را به منزل برسانيم به اين دستورالعمل عمل كنيد و اضافه بر اين براى رفع گرفتارى‏ها خيلى خوب است. به تجربه اثبات شده است. براى برآمدن حاجات مخصوصا حوائج مهمّه خيلى خوب است. به تجربه اثبات شده است. از اينها مهمتر براى سير و سلوك كه انسان بتواند اين منازل سبعه را طى كند به مقام لقاء برسد به تجربه اثبات شده است كه خيلى مؤثر است و على كل حالٍ اين يك دستورالعمل و نسخه‏اى است كه به درد همه مى‏خورد. امّا به درد ما طلبه‏ها براى اينكه كارمان كار پيغمبر(ص) است بيشتر به درد مى‏خورد. اوّلِ اين دستورالعمل «بيدارى در شب» است. مى‏فرمايد: «يا ايها المزّمّل قم الليل إلّا قليلا نصفه او نقص منه قليلا او زد عليه و رتل القرآن ترتيلا» كه اين قم الليل إلّا قليلا نصفه او نقص منه قليلا او زدى عليه معنايش اين است كه به اندازه وسعت بايد شب‏زنده‏دارى كنى. بايد سحرخيز باشى. معناى يا ايها المزّمّل چيست؟ با يا ايها المدّثر معنايش چيست؟ شايد كسى بتواند بگويد كه ـ بعد خودش معنا مى‏كند «انّا سلنقى عليك قولاً ثقيلا» ـ معنايش اين است كه اى كسى كه عباى نبوّت به دوش گرفتى، قم الليل إلا قليلا. بايد سحرخيز باشى. از آن سحرخيزيى بايد كمك بگيرى. شب بيدارى مسلّم اولِ شب را نمى‏گيرد. آيات فوق اوّل شب را نمى‏گيرد. و علاوه بر اينكه انصراف دارد، روش پيغمبر(ص) هم اين بوده. كه پيغمبر اكرم(ص) بلافاصله بعد از نماز عشاء مى‏خوابيدند و نصفه شب به آن طرف بلند مى‏شدند. از نصفه شب تا اذان صبح آنطور كه در روايات هست و مرحوم صاحب وسائل هم روايات را در باب صلاة (جلد سوّم) نقل مى‏كنند متفرّق نماز شب را مى‏خواندند. چهار ركعت نماز شب مى‏خواندند يك مقدار مى‏خوابيدند. دو دفعه پا مى‏شدند وضو مى‏گرفتند و چهار ركعت ديگر مى‏خواندند. يك مقدار مى‏خوابيدند دوباره پا مى‏شدند و سحر، يك ساعت قبل از اذان صبح را قرآن مى‏خواندند. شفع و وتر را مى‏خواندند و بيدار بودند تا اوّل اذان صبح كه نافله مى‏خواندند و مى‏رفتند نماز صبح. لذا از نصفه شب به آن طرف بود. و از نصفه شب به آن طرف هرچه نزديكتر به اذان صبح مى‏شد طراوت و حلاوت و جاذبه بيشتر مى‏شود. و اين از روايات فهميده مى‏شود و آنهايى هم كه اهل اين كارها هستند اين حلاوت و جاذبه را مى‏يابند. چنانچه قرآن شريف هم درباره مؤمنان مى‏فرمايد كه مؤمن سحرخيز است «و فى اسحارهم يستغفرون» در سحرخيزى استغفار مى‏كند كه بهترين استغفارها در نماز وترش است. و اين چيزهاى مسلّمى پيش بزرگان است. يعنى آنها كه مى‏يابند نه مى‏دانند. يك دفعه حرف دانستنى است و همين‏هاست كه در قرآن و روايات اهل‏بيت(ع) هست و ما عالم هستيم كه درست فرموده‏اند، امّا گاهى هم علاوه بر اينكه مى‏دانيم مى‏يابيم. و آن كسانى كه مى‏يابند طراوت و حلاوت سحر را، آنها مى‏گويند كه نصفه شب به آن طرف هرچه نزديكتر به اذان صبح مى‏شود جاذبه بيشتر است. كه مى‏رسد به آنجا كه راستى بعضى اوقات جاذبه او را به جايى مى‏برد كه به جز خدا نبيند و به جز خدا نداند.

يك روايتى از امام يازدهم سلام‏اللّه‏عليه است كه بدون سحرخيزى كسى به جايى نمى‏تواند برسد. يك طلبه بخواهد علمش براى اسلام مفيد باشد، بخواهد وقتى وارد تبليغ مى‏شود حسود نباشد و آن علمش غرور نياورد. ديگر متكبّر و خودخواه نباشد. ديگر راستى گذشت و ايثار و فداكارى‏اش به جايى رسيده است كه حاضر است فدا بشود براى اسلام. اينها مسلّما بدون نماز شب تحقّق نمى‏يابد. قطعا نمى‏شود يعنى بدون سحرخيزى. چه برسيم به نماز شب. و اين سحرخيزى بايد باشد. و در آن سحرخيزى هم يك دفعه انسان مطالعه مى‏كند خوب باز حرفى، مطالعه خيلى خوب است ثواب هم دارد امّا آن جاذبه نماز شب را ندارد ثوابش شايد بيشتر از نماز شب و بيشتر از هر عبادتى باشد. همانطورى كه مرحوم محدث قمى در مفاتيح از مرحوم صدوق صدوق از مشايخ نقل مى‏كند كه در شب قدر چه عملى افضل؟ مرحوم صدوق مى‏فرمايند كه مشايخ فرمودند مذاكرة العلم. خوب بله اين افضل است از همين جهت هم مرحوم صاحب جواهر من ديده‏ام كه جواهرشان را شب بيست و سوّم ماه مبارك رمضان اختتام كرده‏اند. استاد بزرگوار ما علامه طباطبايى شب بيست و سوّم ماه مبارك رمضان اختتام الميزان بوده است. استاد بزرگوار ما حضرت امام(ره) بعضى از كتابهايشان مخصوصا كتابهاى عرفانى را من ديدم شب بيست و سوّم ماه مبارك رمضان بوده است. امّا آنكه الآن مراد بحث‏ام است. يك حرف افضل بودن است و يك حرف چه نسخه است براى كمك به ما؟ آن مذاكرة العلم نيست. آن همان نماز شبى است كه در سحر قرار داده‏اند. لذا قرآن مى‏گويد «و فى اسحارهم يستغفرون» نمى‏گويد و فى اسحارهم يتعلّمون. آن تعلّم مسلّما ثواب بيشترى دارد امّا اگر كسى جاذبه بخواهد بايد بُراق داشته باشد براق هم نماز شب است. «الصلوة معراج المؤمن» بنابراين حتما بايد ما طلبه‏ها نيم ساعت اقلاً قبل اذان صبح بيدار باشيم. اين كار را نكنيد خيلى ضرر مى‏كنيد. علم‏تان تاريك است. و علم تاريك به درد نمى‏خورد. دلتان تاريك است و دل تاريك به درد نمى‏خورد. زندگى‏تان گره دارد و در زندگى گره‏دار انسان نمى‏تواند نشاط داشته باشد و مخصوصا همه اگر بخواهند در زندگى موفق باشند بايد در زندگى نشاط داشته باشند و ما طلبه‏ها اگر بخواهيم موفق در كارمان باشيم با حال افسردگى با كلاف سردرگمى با اينها نمى‏شود بايد يك نشاطى در زندگى باشد. كلاف سردرگم نباشيم. گرفتارى‏ها نباشد و اين‏ها نماز شب مى‏خواهد و اين نماز شب را اوّل شب مى‏توان خواند بعنوان تحيى‏ء مى‏گويند من مى‏گويم نه، بلكه ادا است. از اوّل شب تا آخر صبح ادا است. ساعت 12 مى‏توانيم بخوانيم  و بخوابيم خوب مسلم ادا است. بعد اذان صبح مى‏توانيم بخوانيم خب مسلّم مستحب است امّا قضاست. اينها خوب است. امّا آنكه به درد ما مى‏خورد و آنكه نسخه است براى ما، «قم الليل الا قليلا نصفه او نقص منه قليلا او زد عليه» اين نصف شب به آن طرف و هرچه به اذان صبح نزديك‏تر شود و به قول قرآن «سحرخيزى» و اين سحرخيزى را من از همه‏تان تقاضا دارم در زندگى‏تان باشد. نباشد نمى‏شود. نباشد علمتان مفيد نيست و فايده ندارد. ممكن است خيلى هم عالم باشيد امّا فرق است بين اينكه علم مفيد براى جامعه باشد يا نباشد. حتى براى خودت هم مفيد نباشد. من زياد تجربه كردم زياد ديدم. ملّاهايى كه علمشان براى خودشان هم مفيد نيست. يك جمله‏اى مرحوم آقا (آقا باقر بهبهانى ـ آنكه الآن اين جلسه ما مرهون اوست. انصافا آقا باقر بهبهانى به عالم فقه و اصول خيلى خدمت كرد و اين آقا در فوائد حائريه‏اش يك جمله‏اى دارد كه شاهد بر عرض من است. ايشان شرايطى براى اجتهاد قائل است يكى ملكه قدسى است كه اين در كتابها نيامده است. يعنى در كتابهاى فقهى نيامده كه از شرايط اجتهاد بدانند. بعد ملكه قدسى را ايشان همين طور معنى مى‏كند. ملكه قدسى آن است كه الهام از طرف حق داشته باشد. ملكه قدسى آن است كه اگر مطالب را استدلالى نشد، بيابد. بعد مى‏فرمايد اين ملكه قدسى از كجا پيدا مى‏شود؟ مى‏فرمايد از سحرخيزى. از كجا پيدا مى‏شود؟ از اجتناب از گناه. گناه بيايد جلو و انسان پا گذارد روى گناه. بعد به اين عنوانى كه صحبت مى‏كند ذيلش يك جمله دارد. به طلبه‏ها سفارش مى‏كند مواظب باشيد به فقهاى بزرگ تا مى‏توانيد ارادت داشته باشيد. سر قبرشان برويد. مى‏فرمايد كه از آنها همين طور كه از ائمه طاهرين(ع) حاجت مى‏خواهيد از اينها حاجت بخواهيد. بعد حتى مى‏گويد كه نفوس ضعيفه به اينها بيشتر بايد توسّل داشته باشند تا به ائمه طاهرين. تناسب اين نفوس با علما و فقها بيشتر است تا با ائمه طاهرين بعدش هم مى‏فرمايد اياك ثم اياك ثم اياك اينكه جسارتى به فقيهى بكنى. بعد هم مى‏فرمايد به تجربه براى من اثبات شده كسانى كه ارادت به فقها و روحانيت ندارند اينها عاقبت به خير نيستند و اينها در عالم تيه كلاف سردرگم، مخصوصا در آخر كار هستند. عاقبت‏شان يك كلاف سردرگم هستند تا بميرند. و اين كلام مرحوم آقا باقر بهبهانى را بيست سى سال قبل كه من ديدم و پيش خودم گفتم تجربه كنم و به تجربه براى من اين فرمايش ايشان اثبات شده است. يعنى اهل علمى را من سراغ دارم و داشتم كه راستى پربارند امّا اين بارشان اين نتيجه عملشان نه براى خودش نتيجه داشت نه براى ديگران، نه براى دنيايش نتيجه داشت نه براى آخرتش. حالا بعضى علم‏شان براى دنيايشان مفيد است برخى براى آخرتشان. امّا به تجربه اثبات شده بعضى علم‏شان نه براى دنياشان مفيد است نه براى آخرت‏شان. يك عضو زائد، يك عضو افسرده، يك عضو عقده‏اى ـ كه ديگر آن عقده‏اش هم باعث مى‏شود چه غيبت‏ها چه تهمت‏ها چه زخم زبانها و بالاخره حجره‏اش مى‏شود جاى غيبت. حجره‏اش مى‏شود جاى فساد. به تجربه اينها ثابت شده است.

بالاخره سحرخيزى نباشد خيلى تاريك است. سحرخيزى نباشد كار ما اهل علم تاريك است و اين سحرخيزى را مى‏خواهيم حتما بايد در زندگى باشد و بر فرض هم شما خيلى كار داشته باشيد نماز صبح بايد بخوانيد ديگر. خوب اين نماز صبح را بگذاريد اوّل وقت يعنى اوّل اذان صبح. نيم ساعت قبل اذان صبح پا شويد. تطهيرى كنيد. يك  نماز شب ولو مختصر بخوانيد. آن يازده ركعت. بعد تا مؤذن اذان مى‏گويد نافله صبح‏تان بعد ديگر معلوم است موقع صبح است نماز صبح‏تان را بخوانيد و بخوابيد. به جاى اينكه آن نيم ساعت قبل آفتاب بيدار باشيد نيم ساعت قبل اذان صبح بيدار باشيد. حالا بگوئيد كه خواب بين الطلوعين كه كراهت‏تر است. خوب طورى نيست. براى شما اگر كار داشته باشيد رفع كراهت ميشود. ولى اين كار حتما بايد بشود. اينكه شما نيم ساعت قبل طلوع آفتاب بيدار مى‏شويد نيم ساعت قبل اذان صبح بيدار مى‏شود و اين خوابى كه قبلاً مى‏رويد بعدا برويد. اگر كسى را داريم كه نماز شب نمى‏خواند ـ البته در جلسه ما كه چنين كسى را نداريم ـ و مى‏خواهد نماز صبح‏اش را قبل از آفتاب بخواند. و به قول استاد بزرگوار ما حضرت امام رضوان‏اللّه‏تعالى‏عليه وقتى به ما مى‏گفتند بيائيد تجربه كنيد و ببينيد چه نتايجى دارد. چهل روز راستى نماز شب بخوان. همين نماز شب‏هاى معمولى. ببينيد چه گشايشى در كار پيدا مى‏شود. اينكه در روايات داريم نماز شب‏خوانها نورانيت دارند دو تا معنا دارد. يك معنا اينكه آنها كه چشم بصيرت دارند وقتى به او نگاه مى‏كنند درخشندگى دارد. يك معنايش اين است كه نورانيت در كار، گره‏ها باز مى‏شود. تجربه كرديد بعضى اوقات آدم يك ساعت مطالعه مى‏كند كار هفت هشت ساعت مطالعه را مى‏كند. بعضى اوقات هفت هشت ساعت كار مى‏كند كار يكساعت هم نمى‏شود. تجربه كرده‏ايد همه شما چرا بعضى اوقات اينطورى مى‏شود. اگر گناه در اين جاها تأثير داشته باشد بلكه مالايعنى‏ها همين جاها اثر مى‏گذارد. يك كارهايى بكنيم نتيجه دنيا نداشته باشد، نتيجه آخرت نداشته باشد موجب ميشود كه ما به جاى اينكه يكساعت كار كنيم هشت ساعت كار مى‏كنيم باز هم باز نمى‏شود. مطالعه مال ماست امّا تفهيم مال خداست. ديگر اين كه حرف ندارد ما فقط مقدمات فراهم مى‏كنيم. فقط مطالعه مى‏كنيم. فقط استعداد پيدا مى‏كنيم كه درس خارج مى‏توانيم بخوانيم. خب اين استعدادها مال ماست امّا اينكه ما بفهميم اين مال خداست. اينكه خوب بفهميم اين مال خداست. اينكه درست بفهميم اين مال خداست. انسان بعضى اوقات مطالعه مى‏كند امّا بد مى‏فهمد و راستى هم بعضى اوقات خيلى بد مى‏فهمد. اينها از كجا پيدا مى‏شود؟ همان پهلويش نشسته يكساعت مطالعه مى‏كند امّا خوب مى‏فهمد عالى مى‏فهمد واقع مى‏فهمد. جهل مركب نيست. اين از كجا پيدا مى‏شود؟ اينها همه دست خداست. وقتى كه لطف و عنايت خدا روى سر ما باشد پيشرفت مطالعه داريم علاوه بر اين جهل مركبمان كم است. وقتى دست عنايت خدا روى سرمان نباشد جهل مركب‏مان مى‏شود زياد. يعنى وقتى خدا به ما نفهماند ديگر معلوم است ضلالت و جهل مركب است. اين جمله اوّل كه «قم الليل الا قليلا نصفه او نقص منه قليلا او زد عليه و رتل القرآن ترتيلا» معنايش اين است كه همه و همه بايد سحرخيز باشيد به اندازه وسعتان. يك كسى مثل پيغمبر و آن هم كار كسى نمى‏تواند بگويد من كارم بيش از پيغمبر است. نه پيغمبر اكرم در ده سال هشتاد جنگ را پشت‏سر گذاشت. بعضى‏ها كه بيشتر هم گفته‏اند و رياست اسلام را حكومت اسلام را، آن كمبودهاى در مكه و مدينه را، آن مصيبت‏هاى كمرشكن در مكّه را، امّا همين پيغمبر اكرم نصفه شب تا اوّل آفتاب بيدار بودند. من نمى‏دانم اوّل آفتاب ديگر مى‏خوابيدند يا نه. بالاخره تا اوّل آفتاب بيدار بودند. آنكه مسلم است اين است كه فقط قبل از ظهر يك مقدارى مى‏خوابيدند. خواب قيلوله. خوب ديگر وقتى پيغمبر(ص) ساعت دوازده تا اوّل آفتاب بيدار باشند با آن همه كارها؛ مى‏شود ما بگوئيم كار داريم پس نمى‏شود؟

حضرت زهرا(س) خوب خيلى كار داشتند امّا بالاخره نصفه شب به آن طرف روى پاها مى‏ايستادند تا پاها ورم كرد. پيغمبر اكرم(ص) هم همين طور. «طه ما انزلنا عليك القرآن لتشقى» اين را به شما بگويم هيچ كدام در روز قيامت نمى‏توانيد بگوئيد كه نمى‏توانستم. نمى‏شد. نه. اگر بخواهيم مى‏شود. هم مى‏دانم هم مى‏توانم. اين كسانى كه خوابشان مى‏آيد و بيدار هم نمى‏شوند و ساعت هم نمى‏تواند بيدارش بكند. حالا اين يك بليط هواپيما دارد به يك جاى دورى. مثلاً به عمره براى ما ديگر عمره، و اين اوّل اذان صبح حركتش است. و نيم ساعت قبل از اذان صبح بايد فرودگاه باشد. اين خوابش مى‏برد؟ نه، و ما كه خوابمان مى‏برد معلوم است نماز شب پيش ما به اندازه آن بليط ارزش ندارد. و الا خوابم مى‏آيد كدام است؟ بيدار نمى‏شوم كدام است؟ نمى‏خواهيم. مى‏دانى چه كسى مى‏خواهد و بيدار هم مى‏شود؟ «الركعتان فى جوف الليل احب اليه من خير الدنيا و ما فيها.» خوب اين ديگر خوابش نمى‏برد. اگر ما نماز شب را به اندازه يك بليط ماشين نه بليط هواپيما اهميت مى‏داديم يا به كار روزانه‏مان كه مثلاً مى‏رويم در يك نهادى ديگر خوابمان نمى‏برد. ديگر خوابمان نمى‏آمد. ديگر نمى‏گفتيم نمى‏توانيم، نمى‏شود. اگر نمى‏شود اگر نمى‏توانيم اراده‏مان مطلقا ضعيف است يا روى آن كار ضعيف است. و راجع به اين امر مهم ـ يعنى در مستحبات ـ شما هيچ چيز نمى‏توانيد پيدا بكنيد مثل اين سحرخيزى حالا هيچ كار هم كه انجام ندهيد. اين يك ساعت خيلى كار مى‏كند و ديگر شما تجربه كرده‏ايد. خروس اين موقع‏ها چه جاذبه‏ها و چه لذت‏ها دارد. ديگر وقتى موقع اذان صبح مى‏شود در روايات هست كه خروس آن وقت يك تلاطمى دارد به نام «يا ايها الغافلون قُوم» و راستى اگر اينطور باشد چطور خروس به ما بگويد «ايها الغافلون» خوب معلوم است يك جاذبه‏هايى هست كه ما نمى‏توانيم درك كنيم. و الّا چون جاذبه را درك نمى‏توانيم بكنيم از اين جهت هم مى‏گوئيم بيدار نمى‏شويم، نمى‏شود بيدار شويم، كار داريم، روز خوابمان مى‏رود، روز چرتمان مى‏برد، مطالعه‏مان ضرر مى‏خورد، همه اينها بخاطر اين است كه داعى ضعيف است و من تقاضا دارم از همه شما، راجع به سحرخيزى داعى را قوى كنيد. خيلى قوى؛ هيچ چيزى براى ما طلبه‏ها مهمتر از اين سحرخيزى نيست. هيچ چيزى، حتى مطالعه. هيچ چيزى براى ما طلبه‏ها واجب‏تر ـ واجب اخلاقى ـ از اين سحرخيزى نيست.

و نمى‏شود ما سحرخيز نباشيم. برويد در حالات علما و بزرگان و ببينيد نمى‏شود سحرخيز نباشيم. و حتى شب زفافشان، شب مرگ پدرشان، شب مرگ پسرشان،... در حالات كاشف الغطاء دارد ـ بحثش خيلى مفصل است ـ وقتى دخترش را داد به آشيخ محمّدتقى مسجدشاهى، ـ همانكه اين اصول، اين حاشيه بر معالم را نوشته است كه الآن هم انصافا اصول زنده است ـ در همان خانه خودش يك اتاق داد و اين‏ها رفتند در حجله. سحر در زد. گفت براى شما آب گرم كرده‏ام فلان جا گذاشته‏ام پا شويد غسلتان را بكنيد نماز شب‏تان را بخوانيد!! از اينها نگذريد آقا. تا مى‏شود كاشف الغطاء. مى‏شود كاشف الغطاء وقتى كه مرحوم صاحب جواهر به حرف او مى‏رسد افتخار مى‏كند حرفش را فهميده است. «قال الاستاد الاكبر» يك جمله‏اى استاد بزرگوار ما مرحوم آيت‏اللّه‏ العظمى بروجردى راجع به شيخ طوسى داشتند. هر وقت كه آيت‏اللّه‏ بروجردى به جمله شيخ طوسى مى‏رسيدند مى‏لرزيدند راستى واهمه داشتند كه آيا مى‏توان [حرف] شيخ طوسى را رد كرد يا نه؟ مرادم اينجاست كه ايشان مى‏فرمودند اين شصت و سه سال ايشان دويست جلد كتاب نوشته، مى‏گفتند ايشان علاوه بر اينكه عالم بود عابد بود. بعد مى‏فرمودند اين مصباح المتهجد را كه ايشان نوشتند خودشان يك دوره به آن عمل كردند. آقاى طلبه اين معناى علم است. يك دوره به آن علم كرد. بعد هم به قاعده «انذر عشيرتك الاقربين» واداشت يك دوره زن و بچه‏اش به آن عمل كردند، بعد اجازه انتشار داد. مى‏گفت تا خود به آن عمل نكرده‏ام نمى‏شود ديگران به آن عمل كنند. تا زن و بچه‏ام عمل نكنند نمى‏شود ديگران به آن عمل كنند. بعد از آن انتشار داد. خوب اين شيخ طوسى مى‏شود شصت و سه سال عمر با آن همه گرفتارى‏ها. گرفتارى‏هاى شيخ طوسى از دست سنّى‏ها خيلى بالا بود. محله كوخ را آتش زدند براى ايشان تا ايشان را در آن محله بسوزانند، كتابخانه شيعه ما، كرسى مرحوم شيخ طوسى را آتش زدند. اصول اربعه مأة ما از بين رفت. امّا پابرهنه تنها فرار كرد آمد نجف حوزه تشكيل داد. چطور مى‏شود يك انسان در آن گرفتارى‏ها و درماندگى‏ها حوزه تشكيل دهد. آن هم اينطور بگيرد. حوزه نجف خيلى به عالم تشيع خدمت كرد. خدا را قسمش مى‏دهم به حق مولى اميرالمؤمنين دو دفعه اين حوزه را يك رونق مثل قبل يا بهتر عنايت فرمايد.

شيخ طوسى حوزه را تشكيل داد. چه نتايجى!! اين همه گرفتارى‏ها، شصت و سه سال عمر كرده و دويست جلد كتاب نوشته است. آن كتاب‏ها هم چيست؟ آيا فكر كرده‏ايد كه دو تا از كتابهاى اربعه مأة از شيخ طوسى است؟ يعنى چكش مراجع دوتايش از شيخ طوسى است. تفسير دارد: تبيان. مجمع البيانى كه مثلش تا به حال نيامده برگرفته شده از تبيان است. كتاب خلاف دارد. يعنى اجتهاد دارد نه فقط در فقه شيعه بلكه در فقه سنّى‏ها. آنهم همه طوائف‏اش را نه فقط طوائف اربعه‏اش را!! خلاف را ديده‏ايد ديگر. مبسوط دارد. فروعات مبسوط بيشتر از عروة است. چطور مى‏شود؟ «رابطه با خدا»، بهترين رابطه‏ها با خدا «سحرخيزى» است. بعد از واجبات، بعد از اجتناب از گناه. عزيزان من نمى‏شود ما گناه بكنيم شيخ طوسى هم بشويم. نمى‏شود ما سحرخيز نباشيم شهيدثانى هم بشويم!، شيخ انصارى هم بشويم!؛ نمى‏شود. تقاضا دارم اين سحرخيزى ولو كم را داشته باشيد. در قافله سحرخيزها باشيد ولو نيم ساعت ولو يك ربع ساعت قبل از اذان صبح. از شما تقاضا دارم در اين قافله باشيد تا إن‏شاءاللّه‏ دست عنايت امام زمان(عج) در سحر روى دل شما قرار بگيرد و دل شما بشود مخزن علم امام زمان(عج).

**و صلى اللّه‏ على محمّد و آل محمّد**

منبع: سایت معظم له